Theories and criticism in Arabic literature
The Third Year, Number ١٠, Summer١٤٠٢
Pp:٩٣- ١١٠

Research Paper

**DOI:** ١٠.٢٢٠٣٤/JRAL.٢٠٢٥.٥٥٨٩٦٥.١٠٧٤

# An Analytical Study of Interpretive Insertions in the Translation of the Qur'anic Verses of Waʿd and Waʿīd (Promise and Threat)

Ali Ahang[١]

Sayedeh Farnaz Ettehad[٢]

(Received: ٢٠٢٥,١١,١٠ ,Accepted: ٢٠٢٥,١٢,١٠)

## Abstract

The Qur'anic verses of waʿd (promise) and waʿīd (threat) constitute one of the central elements of divine خطاب (khiṭāb ilāhī), playing a fundamental role in the moral formation and ethical guidance of human beings. Nevertheless, rendering these verses into other languages-particularly Persian-has posed persistent challenges. In an attempt to convey the intended meaning (murād) of the verses more precisely, Qur'an translators occasionally incorporate interpretive insertions (ziyādāt tafsīriyyah) into the translated text. While such insertions are often motivated by exegetical considerations, they may affect the reader's reception of the primary semantic structure of the verse and, in certain cases, result in a shift from translation (tarjamah) to interpretation (tafsīr). Accordingly, the present study aims to identify, analyze, and critically assess interpretive insertions in contemporary Persian translations of the Qur'anic verses of promise and threat. The significance of this research lies in the absence of a systematic investigation into the typology, extent, and exegetical function of these insertions and their implications for the understanding of the Qur'anic text. Adopting a descriptive–analytical methodology and examining a selection of prominent contemporary Persian translations, this study classifies various forms of interpretive insertions, explores the exegetical motivations underlying their inclusion, and evaluates their conformity with the apparent meaning (ẓāhir al-naṣṣ) of the Qur'anic text. The findings contribute to refining the principles of Qur'an translation and clarifying the epistemological boundary between translation and tafsīr.

**Keywords:** Qur'an Translation, Verses of Waʿd and Waʿīd, Interpretive Insertions, Qur'anic Exegesis, Qur'an Translators.

---

١. Assistant Professor, Department of Quranic Interpretation and Sciences, Faculty of Quranic Sciences, University of Holy Quran Sciences and Education, Bojnurd, Iran, Email: aliahang٩٦٨@gmail.com (Corresponding Author)

٢. PhD student, Department of Quranic and Hadith Sciences, Faculty of Quranic Sciences, Holy Quran University of Sciences and Education, Bojnurd, Iran, Email: farnazettehad٩٦٨@gmail.com

© **The Author(s).** **Publisher**: Kosar University

التنظيرات و النقد في الأدب العربي

السنة الثالثة، العدد ١٠، صيف ١٤٠٢

صص: ١١٠-٩٣

**DOI:** ١٠.٢٢٠٣٤/JRAL.٢٠٢٥.٥٥٨٩٦٥.١٠٧٤

# تحلیل و بررسی افزوده‌های تفسیری در ترجمه آیات وعده و وعید قرآن‌کریم

علی آهنگ [١]

سیده فرناز اتحاد [٢]

(تاریخ دریافت: ۱۴۰۴،۰۸،۱۹، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴،۰۹،۱۹)

## چکیده

آیات وعده و وعید قرآن‌کریم به عنوان یکی از بنیادی‌ترین مؤلفه‌های خطاب الهی، نقش مهمی در هدایت اخلاقی و تربیتی انسان دارند. با این حال، ترجمه این آیات به زبان‌های دیگر، به‌ویژه فارسی، همواره با چالش‌هایی همراه بوده است؛ زیرا مفسران و مترجمان برای انتقال دقیق‌تر پیام آیات، گاه ناچار به افزودن توضیحات و تبیین‌های تفسیری در متن ترجمه می‌شوند. این افزوده‌ها اگرچه در راستای فهم بهتر معنا صورت می‌گیرد، اما ممکن است بر تلقی مخاطب از پیام اصلی آیه اثر گذاشته و گاه به نوعی تفسیر به‌جای ترجمه تبدیل شود. از این‌رو، مسأله اصلی پژوهش حاضر شناسایی، تحلیل و ارزیابی افزوده‌های تفسیری در ترجمه‌های معاصر فارسی آیات وعده و وعید است. ضرورت این تحقیق از آنجا ناشی می‌شود که تاکنون مطالعه‌ای نظام‌مند درباره نوع، گستره و کارکرد این افزوده‌ها ارائه نشده و پیامدهای آن بر فهم مخاطب کمتر بررسی شده است. پژوهش حاضر با روش توصیفی- تحلیلی و با بررسی چند ترجمه شاخص معاصر، به طبقه‌بندی انواع افزوده‌ها، تحلیل دلایل شکل‌گیری آنها و ارزیابی میزان سازگاری‌شان با اصل متن قرآن پرداخته است. یافته‌ها می‌تواند به ارتقای دقت ترجمه‌های قرآنی و تبیین مرز میان ترجمه و تفسیر کمک کند.

**واژگان کلیدی:** ترجمه قرآن‌کریم، آیات وعده و وعید، افزوده‌های تفسیری، مترجمان قرآن‌کریم.

---

١. استادیار گروه تفسیر و علوم قرآن، دانشکده علوم قرآنی، دانشگاه علوم و معارف قرآن‌کریم، بجنورد، ایران، ایمیل: aliahang٩٦٨@gmail.com (نویسنده مسئول)

٢. دانش‌آموخته دکتری گروه علوم قرآن وحدیث، دانشکده علوم قرآنی، دانشگاه علوم و معارف قرآن‌کریم، بجنورد، ایران، ایمیل: farnazettehad٩٦٨@gmail.com

© حق مولف نویسندگان **ناشر:** دانشگاه کوثر

## ۱. مقدمه

اسلام، دینی جهان شمول و با ویژگی جامعیت و تکامل نسبت به تمام ادیان الهی پیشین است که بر پایه قوانین و احکام الهی که در قرآن آمده است، گسترش یافته و معرفی شده است. همین امر باعث می‌گردد تا ضرورت معرفی مفاهیم قرآن برای دیگر جوامع و ملل و جهانیان آشکار گردد و تنها راه رسیدن به این منظور ترجمه‌ی قرآن است. از این رو ترجمه قرآن امری بسیار پر اهمیت و خطیر است چرا که رسالت انتقال مفاهیم و واقعیات اسلام را به عنوان دین خاتم بر عهده دارد. و شناخت ترجمه‌های مختلف و تمییز بین سبک و روش‌های مناسب‌تر برای انتقال معانی قرآن امری بسیار ضروری می‌نماید، چراکه قرآن‌کریم ساختارش معجزه است و مفاهیم آن از بلاغت و فصاحت بالا برخوردار است و در ترجمه آن دقت نظر و به کارگیری شیوه‌های مناسب برای از دست نرفتن معانی اصیل و از طرفی اضافه نشدن معانی اضافی امری مهم است. خود قرآن نیز به این امر که باید پیام قرآن برای همگان روشن شود، اذعان دارد: «هذا بَیانٌ لِلنَّاسِ وَ هُدیً وَ مَوْعِظَةٌ لِلْمُتَّقِین» (آل عمران/ ۱۳۸).

ترجمه آیات و سوره‌های قرآن از صدر اسلام مورد توجه بوده است و به فراخور نیاز هر دوره صورت گرفته است. شاید بتوان اولین مترجم قرآن را «جعفر بن ابی طالب» دانست که آیاتی از سوره مریم را به حبشی ترجمه کرد (جواهری، ۱۳۹۳ :۱۰). سلمان فارسی را نیز طبق برخی روایات مترجم سوره حمد دانسته‌اند که از آن تنها ترجمه بسمله[۱] به ما رسیده است (سرخسی، ۱۴۰۶، ۱: ۳۷؛ اسفراینی، ۱۳۷۵، ۱: ۸). گو اینکه اختلاف در نقل و ضعف در سند، صحت آن را با تردید روبرو می‌سازد (زرقانی، ۱۴۱۶، ۲: ۵۵-۵۶؛ معرفت، ۱۳۹۵، ۱: ۱۵۴). ترجمه‌های دیگری نیز به زبان هندی، ترجمه تفسیر بزرگ جامع‌البیان طبری، تقسیر قرآن مجید (نسخه کمبریج) و ... صورت گرفت. ترجمه به زبان انگلیسی پس از رنسانس در اروپا بسیار اتفاق افتاد و مخصوصاً نیمه دوم قرن بیستم اوج ترجمه قرآن به زبان انگلیسی است که مترجمان مشهوری همچون ریچارد بل[۲]، آرتور آربری[۳]، محمد مارمادوک پیکتال[۴]، توماس ایروینگ[۵] و .... را می‌توان نام برد. در ایران ترجمه‌هایی انگلیسی از قرآن وجود دارد که ترجمه خانم صفارزاده با روش ارتباطی- تفسیری از آن جمله است. روند ترجمه‌ها از سال‌های آغازین آن تا به امروز دچار تغییراتی در سبک و روش شده است و از حالت تحت‌اللفظی به سمت ترجمه‌های آزاد و تفسیری رفته‌اند. ضرورت انتقال مفاهیم جامع قرآن‌کریم برخی مفسران را به سمت استفاده از روش‌های تلفیقی و بهره‌گیری از تفاسیر سوق داده است که این حرکت باعث پدیدی آمدن ترجمه‌های تفسیری شده است.

## ۲. مبانی نظری

رسالت نبی مکرم اسلام (ص) به تصریح کریمه «وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا كَافَّةً لِلنَّاسِ» (سبأ/۲۸) رسالتی جهان شمول، و قرآن‌کریم کتابی جهانی و جاودانه است و حوزه نورافشانی آن پهنه زمین و گستره زمان، می‌باشد: «وَما هُوَ إِلاَّ ذِکْرٌ لِلْعالَمِینَ» (قلم/۵۲). از این رو مخاطب قرآن همه افراد بشرند «وَمَا هِیَ إِلَّا ذِکْرَی لِلْبَشَرِ» (مدثر/۳۱). قرآن‌کریم اگرچه به لغت عرب نازل شده است؛ اما با زبانی مشترک و در خور فهم همگان با مخاطب خویش سخن می‌گوید. با این وجود مفاهیم والا و کلام دارای ایجاز و در عین حال دارای بیشترین معانی در متن قرآن‌کریم، مخاطب قرآن را در هر عصری بر آن داشته است که برای فهم بهتر معارف والای آن تنها به متن قرآن اکتفا نکرده و

با بهره‌گیری سایر علوم تفسیری روشن از قرآن‌کریم ارائه دهد. قرآن‌کریم اگرچه به زبان عربی نازل شده است اما مفاهیم آن چنان فصیح و بلیغ است و بی‌شک از منبع الوهی در قالب مادی در آمده است که برای همان عرب زبانان نیز نیاز به توضیح و تفسیر داشته است: (وَ أَنزَلْنَا إِلَيْكَ الذِّكْرَ لِتُبَيِّنَ لِلنَّاسِ مَا نُزِّلَ إِلَيْهِمْ وَ لَعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُونَ)؛ (نحل/۴۴). مخاطبان قرآن‌کریم کسانی هستند که اغلب با زبان عربی آشنایی ندارند و با توجه به ویژگی‌هایی که از متن قرآن نیز بیان شد، به نظر می‌رسد بهتر است تا در ترجمه‌ها تفاسیر گنجانده شوند و با توجه به آنها ترجمه صورت گیرد. البته این کار شدنی نیست چرا که تفاسیر اغلب با جزئیات بسیار هستند و چنین ترجمه‌ای که همراه با متن تفسیر باشد، حجمی زیاد را شامل می‌شود، ناگزیر چاره‌ای جز استفاده از افزوده‌های تفسیری در ترجمه‌ها نیست. یعنی چکیده و لبّ مطلب تفسیری در حدی که ترجمه را گویا کند و از ابهام درآورد را در ترجمه‌ها لحاظ کنیم. افزوده‌های تفسیری بی‌شک در انتقال صحیح مفهوم آیات کمک مؤثرتری خواهند کرد، مخصوصاً آیاتی که مورد شبهه قرار می‌گیرند و یا جزو متشابهات هستند و از ظاهر معنای آیه نمی‌توان معنا را درک کرد. در ترجمه‌های معاصر مترجمان بیشتر از تفاسیر کمک گرفته‌اند و با استفاده از تفاسیر برجسته، ترجمه‌ها را دقیق‌تر کرده‌اند و در این میان جای بررسی دارد تا از میان این ترجمه‌ها دقیق‌ترین و نزدیک‌ترین آن‌ها مشخص و معرفی گردد. هدف پژوهش حاضر پذیرش یا رد ترجمه‌های قرآن نیست، بلکه صرفاً بررسی روش‌های ترجمه‌ای با استفاده از تفاسیر را مدنظر داشته و راجع به آن‌ها درباره انتقال معنای وعده‌های الهی بحث خواهد شد. پیش از ورود به بحث بررسی آیات و ترجمه‌های آن، توضیح مختصری راجع به هر یک از مترجمان و ترجمه آنان خواهد آمد.

## ۲-۱. ترجمه مکارم شیرازی

ترجمه‌ای که آیت الله مکارم شیرازی از قرآن‌کریم داشته‌اند، اساساً متنی است که هنگام تألیف تفسیر نمونه نوشته شده است. ترجمه مذکور به انگیزه ترجمه‌ی برای قرآن‌کریم انجام نشده است و هدف از آن تألیف تفسیری روان به زبان فارسی برای قرآن‌کریم بوده است (کرمی‌نیا، ۱۳۸۹، ۲۱۷). خود مترجم درباره این ترجمه چنین نوشته است:

«هدف این بوده است که ترجمه‌ای روان، گویا و در عین حال دقیق و محکم برای همگان مخصوصاً نسل جوان تحصیل کرده‌ی امروز فراهم شود، که حتی بدون مراجعه به تفسیر قابل درک و فهم باشد... و نیز هدف این بود که پایه‌ای باشد برای ترجمه‌های دقیق‌تر قرآن به زبان‌های دیگر جهان» (بینات، ۱۳۷۳: ۱۴۲).

مرتضی کریمی‌نیا، نقدی بر این ترجمه نوشته است که در دو شماره‌ی نه و یازده مجله بینات به چاپ رسیده و قابل مراجعه است. برخی از اشکالاتی که وی برشمرده است عبارتند از:

۱. برخی موارد، ترجمه نشده؛
۲. اشکالات نحوی و ساختاری؛
۳. تفاوت و تضاد در تفسیر و توضیح؛
۴. اشکالات لغوی و صرفی (کریمی‌نیا، ۱۳۷۵: ۱۴۲).

گرچه این ترجمه از بسیاری از ترجمه‌های معاصر روان‌تر است، اما نباید از یاد برد که هیچ ترجمه‌ای خالی از برخی نقیصه‌ها نمی‌باشد؛

به عنوان نمونه جواد آسه در مقاله‌ای، ترجمه فعل‌های «کاد/ یکاد» را در ترجمه‌های قرآن مورد بررسی قرار داده و در انتهای مقاله چنین نتیجه گرفته است: «برخی دیگر از مترجمان از معادل رسا و دقیقی استفاده نکرده‌اند، همانند: مکارم، گرمارودی و استادولی» (آسه، بی‌تا: ۸۰). در مجموع امتیاز این ترجمه، دقت و روانی جمله‌ها و آشکار بودن مفهوم و معنی آیات است. ترجمه به‌گونه‌ای است که در هر موردی نیاز به توضیح بوده، توضیح میان دو پرانتز آمده و متن از آن جدا شده است. در حقیقت این ترجمه، چنان‌که در مقدمه آن آمده، ترجمه محتوا به محتواست نه ترجمه آزاد که ساختار جمله‌های آن از آیات بیگانه باشد و نه ترجمه تحت‌اللفظی که درک معنی را برای خواننده مشکل کند (پیام قرآن، بی‌تا: ۷۲).

## ۲-۲. ترجمه الهی قمشه‌ای

سرآغاز امروزین‌ترین ترجمه‌های قرآن، ترجمه‌ی مرحوم مهدی محی الدین الهی قمشه‌ای است که از حکمای قرون اخیر به شمار می‌آید و هم در اغلب علوم اسلامی صاحب نظر بوده است و هم در فارسی نویسی دستی توانا داشتند و شاعر بلند پایه‌ای نیز بوده‌اند. ترجمه‌ی ایشان حدود سال‌های ۱۳۲۰ انجام گرفته است و در سال‌های اخیر توسط فرزند ایشان، حسین الهی قمشه‌ای، تصحیح شده است (خرمشاهی،۱۳۸۷: ۲۵۶؛ استاد ولی، ۱۳۷۴: ۲۰). این ترجمه دارای افزوده‌های تفسیری است و راجع به آن مقاله‌ای با مضمون نقد آن به طور مفصل در کتاب قرآن پژوهی آقای خرمشاهی آمده است. «ترجمه قرآن (الهی قمشه‌ای)»، از جمله ترجمه‌های فارسی معاصر به قلم میرزا مهدی الهی قمشه‌ای است که تا مدت‌ها گوی سبقت را از دیگر ترجمه‌ها ربوده بود (استاد ولی،۱۳۷۴: ۱۴۸؛ خرمشاهی، ۱۳۸۹: ۲۴۳). استاد ولی در مقاله‌ای برخی از ویژگی‌های این ترجمه را برشمرده است. وی ابتدا به ویژگی‌های مثبت این ترجمه اشاره می‌کند:

۱. اخلاص و صفای باطن مترجم که بی‌شک در عبارات این ترجمه تأثیر نهاده و نورانیت خاصی بدان بخشیده و خواننده را در مواردی تحت تأثیر قرار می‌دهد؛
۲. قلم روان و انشای سلیس مترجم که فهم عبارات آن را آسان کرده است؛
۳. همان‌گونه‌که از نامش پیداست دارای خلاصهٔ التفسیر است و توضیحات کوتاه میان پرانتزی مفیدی دارد که فهم آیه را روشن می‌سازد.

وی سپس تأکید می‌کند که ویژگی‌های منفی این ترجمه نیز اندک نیست، از جمله: بی‌دقتی و سرسری کار کردن، ضعف ادبی، آمیختگی متن و شرح، نقل به معنی، افتادگی‌ها، نقص ویرایش، اجمال و تفصیل‌ها (استاد ولی، ۱۳۷۴: ۱۴۹– ۱۵۰).

## ۲-۳. ترجمه رضایی اصفهانی

این ترجمه که نخستین بار به صورت جمعی، توسط گروهی از طلاب حوزه علمیه قم، به سرپرستی محمدعلی رضایی اصفهانی انجام گرفته، مدت ۵ سال به طول انجامیده است. این ترجمه ویژگی‌هایی دارد از جمله اینکه برای نخستین بار است که به صورت گروهی انجام شده است، همچنین فهرست سوره‌ها براساس حروف الفبا در انتهای مصحف اضافه شده است. جدولی در این ترجمه ارائه شده است که در آن کلمات و حروفی که ترجمه شده‌اند، مشخص شده است. از دیگر ویژگی‌های این ترجمه یکسان‌سازی کلماتی است که

در آیات مختلف تکرار شده است مانند واژه«إله» که در همه آیات به معنای معبود گرفته شده است؛ البته در برخی از موارد، به لحاظ سیاق آیات، کلمه تکرار شده، در همه جا یکسان ترجمه نشده است. نکته دیگر اینکه، از آنجا که این ترجمه، به صورت گروهی انجام شده، هر کدام از اعضای گروه، کار ترجمه را بنا بر نوع تخصصشان بر عهده داشته‌اند؛ مثلاً یک نفر مسئولیت امور ادبیات و تجزیه و ترکیب، یک نفر مسئول بررسی دیدگاه مفسران و یک نفر مسئولیت لغت‌شناسی را بر عهده داشته است. هم چنین در این ترجمه، اصل بر دقت بوده و سعی شده است که کلیه جملات و کلمات قرآن، به صورت دقیق ترجمه شود و در مواردی که امکان ترجمه وجود نداشته است، آن کلمات در فهرست جداگانه‌ای ارائه شده‌اند. در ترجمه مذکور کلیه افعال (مجهول، معلوم، لازم و متعدی) به صورت صحیح ترجمه شده و کمتر مواردی پیدا می‌شود که رعایت نشده باشد. اشکالاتی هم بر این ترجمه وارد است. به عنوان مثال این ترجمه، چندان سلیس و روان نیست. در ترجمه، توضیحات اضافی، زیاد وجود دارد؛ مثلاً در ترجمه آیه اول سوره انفال، در ترجمه کلمه انفال چنین آمده: «(ای پیامبر) از تو درباره غنایم (جنگی و ثروت‌های بدون مالک مشخص) پرسش می‌کنند، بگو: غنایم (جنگی و ثروت‌های بدون مالک مشخص) مخصوص خدا و فرستاده اوست»؛ درصورتی‌که توضیح دوم درباره واژه «غنایم» اضافی است. (نرم افزار جامع التفاسیر)

### ۲-۴. ترجمه طاهره صفارزاده

خانم دکتر طاهره صفارزاده با مطالعاتی که در سیره نبوی و تاریخ قرآن داشته‌اند ترجمه‌ای از قرآن به دست داده‌اند که عمدتاً تکیه بر شأن نزول هر آیه دارد، به همین روی مبتنی بر نگرشی است که قابل تأمل و توجه است. ایشان ضمن حرمت نهادن به کوشش پیشینیان در ترجمه قرآن‌کریم، ترجمه‌های متعدد فارسی و انگلیسی را در پیش روی داشته‌اند و با نگاه انتقادی آن ترجمه‌ها را بازبینی کرده‌اند و در کتابی با عنوان «ترجمه مفاهیم بنیادی قرآن مجید» برخی مفاهیم را استخراج و سرانجام ترجمه خود را بیان داشته‌اند (افشار، ۱۳۸۸) طاهره صفارزاده شاعر، نویسنده، مترجم و قرآن پژوه معاصر است، که خدمات شایان و ارزنده‌ای در زمینه‌های یادشده از خود به یادگار نهاده است. وی ترجمه قرآن کریم به دو زبان فارسی و انگلیسی را سامان داده است. اگرچه از نظر رعایت قوانین و فنون ترجمه اشکالات زیادی بر هر دو ترجمه او می‌توان گرفت؛ اما باید این نکته را نیز در نظر داشت که ترجمه صفارزاده از نوع ترجمه تفسیری است؛ و بی‌تردید نوع ترجمه بر گزینش معادل‌ها تأثیری به سزا نهاده است (محمد بیگی و رضایی، ۱۳۹۱: ۸۵)

### ۲-۵. ترجمه ایروینگ

ترجمه بالنتین ایروینگ، نخستین ترجمه انگلیسی- آمریکایی که به نثر انگلیسی جدید است، او از مسیحیت به اسلام گرویده و نام الحاج تعلیم علی ابونصر را پس از اسلام برای خود انتخاب کرده است (فرهنگ نامه علوم قرآن، بی‌تا، ۱: ۱۴۷۳) سبک ترجمه ایروینگ، غیرادبی یا به عبارتی عامیانه است . البته خود مترجم این امر را یک امتیاز می‌داند؛ از آن جهت که به نظر وی، ترجمه‌هایی که زبان آنها ادبی و ثقیل است، برای نسل حاضر به آسانی قابل درک نمی‌باشد. ولی به نظر می‌آید که ایروینگ ثبات سبک ندارد و گاهی از کلمات و عبارات کهن در ترجمه‌اش استفاده کرده است و سعی کرده از این طریق آهنگی خاص به لحن ترجمه‌اش بدهد. در رابطه با مفهوم نیز گاه مترجم نتوانسته به خوبی مفهوم را انتقال دهد و بیشتر به اطاله کلام پرداخته است. ایروینگ مقدمه مفصلی برای ترجمه

خود نوشته و در آن مطالب متعددی را ذکر کرده است. از قبیل اصطلاح‌شناسی، نظم تلفظ و آوانویسی، سبک ترجمه، و ... از نکات جالبی که در این مقدمه درباره ترجمه‌اش نوشته است چنین است که به عقده خودش، در این ترجمه کوشیده است که بخشی از قصور غرب را درباره اسلام جبران کند (طباطبایی،۱۳۸۳: ۲۲).

## ۳. افزوده‌های تفسیری در ترجمه‌های معاصر آیات «وعد و وعید»:

در ادامه‌ی بحث، افزوده‌های تفسیری برخی از آیات با مفهوم وعد و وعید که بیشتر مورد توجه تفاسیر بوده‌اند، از نظر سبک ترجمه مورد بررسی قرار می‌گیرند. ریشه «وعد» در قرآن‌کریم ۱۵۱ مرتبه، در ۵۱ سوره و ۱۳۰ آیه، تحت کلماتی مانند موعود، میعاد، وعده، وعید، تعدنا، تواعدتم، وَعَدَ و غیره وجود دارد. آیاتی نیز در قرآن‌کریم وجود دارند که در آن مستقیماً لفظ «وعد» و واژگان هم‌ریشه از آن نیامده‌اند اما به وعده الهی اشاره دارد که در پژوهش حاضر این آیات مدّنظر نمی‌باشد. آنچه در ادامه مورد بررسی قرار می‌گیرد آیاتی است که در آن‌ها به طور مستقیم به کلمه «وعد» اشاره شده است:

**۳-۱. آیه اول:** «وَ كَذلِكَ أَعْثَرْنا عَلَيْهِمْ لِيَعْلَمُوا أَنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ وَ أَنَّ السَّاعَةَ لا رَيْبَ فيها ....» (کهف/۲۱).

(و این چنین ما مردم را بر حال اصحاب کهف آگاه ساختیم تا خلق بدانند که وعده خدا (به روز معاد و زنده کردن مردگان) به حق بوده و ساعت قیامت البته بی‌هیچ شک خواهد آمد...)؛ (الهی قمشه‌ای، ۱۳۸۰: ۲۹۶).

(و اینچنین مردم را متوجّه حال آنها کردیم، تا بدانند که وعده خداوند (در مورد رستاخیز) حقّ است؛ و در پایان جهان و قیام قیامت شکّی نیست!...)؛ (مکارم شیرازی، ۱۳۷۳: ۲۹۶).

(و اینچنین (مردم را) بر [حال] آنان مطّلِع کردیم، تا بدانند که وعده خدا (در مورد رستاخیز) حق است؛ و اینکه ساعت (قیامت) هیچ تردیدی در آن نیست)؛ (رضایی، ۱۳۸۳: ۲۹۶).

(Thus We disclosed things to them so they might know that God's promise has come true and there is no doubt about the Hour…); (Irving, p.٢٩٦)

(And thus We did disclose the matter to The people so that they might know That Allah's Promise[ regarding Resurrection Day ]is true, and there is No doubt about the Hour[ of Judgement.]…); (Saffarzadeh, p.٦١٦)

**تحلیل و بررسی**

جمله «وَ كَذلِكَ أَعْثَرْنا» تشبیهی است که در این آیه استفاده شده است تا از آن طریق معنای «وعد الله» روشن گردد که منظور کدام وعده است. در مفردات ماده "عثر" به معنای سقوط است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۵۴۶). وقتی می‌گویند "فلان عثر" معنایش این است که فلانی افتاد، ولی مجازاً در مورد کسی هم که به مطلبی اطلاع پیدا می‌کند بدون اینکه در پی آن باشد استعمال می‌کنند، و می‌گویند: "عثرت علی کذا" یعنی به فلان مطلب اطلاع یافتم (همان). در قرآن‌کریم یک جا فرموده: «فَإِنْ عُثِرَ عَلى أَنَّهُمَا اسْتَحَقَّا إِثْماً» و یک جا فرموده: «وَ كَذلِكَ أَعْثَرْنا عَلَيْهِمْ» یعنی این چنین ایشان را بر جای آنان واقف نمودیم بدون اینکه خودشان در جستجوی آنان باشند. و تشبیهی که در جمله «وَ كَذلِكَ أَعْثَرْنا عَلَيْهِمْ» است مانند تشبیهی است که در جمله «كَذلِكَ بَعَثْناهُمْ» قرار دارد، و معنایش این است: همانطور که قرنها به خوابشان کردیم و سپس بیدارشان نمودیم همین‌طور چنین و چنان کردیم. و به همین منوال جمله اولی معنا می‌شود. و مفعول «أَعْثَرْنا» در آن جمله کلمه «اناس» است که سیاق بر آن دلالت دارد، و ذیل آیه هم که می‌فرماید: «لِيَعْلَمُوا أَنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ» شاهد بر این دلالت است (طباطبایی،۱۳۷۴، ۱۳: ۳۶۷). با توجه به تفسیر لازم است که منظور از وعده الهی در متن ترجمه به صورت افزوده تفسیری بیان شود همان‌طور که در ترجمه‌ها مشهود است مترجمان این افزوده تفسیری را در ترجمه خود آورده‌اند و فقط آقای ایروینگ ترجمه را به صورت تحت‌اللفظی ترجمه کرده و به معنای ظاهری اکتفا کرده است.

**۳-۲. آیه دوم:** «لا يَسْتَوِي الْقاعِدُونَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ غَيْرُ أُولِي الضَّرَرِ وَ الْمُجاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ بِأَمْوالِهِمْ وَ أَنْفُسِهِمْ فَضَّلَ اللَّهُ الْمُجاهِدِينَ بِأَمْوالِهِمْ وَ أَنْفُسِهِمْ عَلَى الْقاعِدِينَ دَرَجَةً وَ كُلاًّ وَعَدَ اللَّهُ الْحُسْنى وَ فَضَّلَ اللَّهُ الْمُجاهِدِينَ عَلَى الْقاعِدِينَ أَجْراً عَظِيماً» (نساء/۹۵).

(هرگز) افراد باایمانی که بدون بیماری و ناراحتی، از جهاد بازنشستند، با مجاهدانی که در راه خدا با مال و جان خود جهاد کردند، یکسان نیستند! خداوند، مجاهدانی را که با مال و جان خود جهاد نمودند، بر قاعدان [ترک‌کنندگان جهاد] برتری مهمّی بخشیده؛ و به هر یک از این دو گروه (به نسبت اعمال نیکشان) خداوند وعده پاداش نیک داده، و مجاهدان را بر قاعدان، با پاداش عظیمی برتری بخشیده است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۳: ۹۴).

مؤمنان فرو نشسته (از جهاد)، که بدون ضرر (و بیماری) اند، با مجاهدانی که در راه خدا با اموالشان و جان‌هایشان [جهاد نمودند] مساوی نیستند؛ خدا مجاهدانی را که با اموالشان و جان‌هایشان [جهاد کردند]، بر فرو نشستگان (از جهاد) به رتبه‌ای برتری بخشیده است؛ و خدا همگان را وعده [پاداش] نیک داده است، و [لی] خدا مجاهدان را بر فرو نشستگان (از جهاد)، به پاداشی بزرگ، برتری بخشیده است (رضایی، ۱۳۸۳: ۹۴).

هرگز مؤمنانی که بدون عذر از جهاد بازنشستند با آنان که به مال و جان در راه خدا جهاد کنند یکسان نخواهند بود، خدا مجاهدان (فداکار) به مال و جان را بر بازنشستگان (از جهاد) بلندی و برتری بخشیده و همه (اهل ایمان) را وعده پاداش نیکو فرموده، و خداوند مجاهدان را بر بازنشستگان به اجر و ثوابی بزرگ برتری داده است (الهی قمشه‌ای، ۱۳۸۰: ۹۴).

Those believers who sit around and yet have no physical disability are not equal to those who strive for God's sake with their property and persons. God shows preference to those who strive with their property and persons through [higher] rank, than with those who just sit around; for each, God has promised handsome things, yet God shows preference to strivers with a better wage over those who stay at home. (Irving, vol.۱, p.۹٤).

Those of the Muslims who sat at home, without any excuse or disablement, are Not equal with the believers who strive Hard and fight in the Path of Allah with Their possessions and their lives. Allah Has raised the grade of those who strive with their wealth and their lives, above Those sitting at home. To each one Allah has promised the best, but Allah Has preferred those who strive and Fight by a great reward, above Those who sit at home and hold back. (Saffarzadeh, vol.۱, p.۱۸۹).

**تحلیل و بررسی**

بر اساس آنچه در تفاسیر آمده است منظور از وعده الهی در این آیه پاداش بهشت است و این به خاطر واجب کفایی بودن امر جهاد است. قتاده و دیگر مفسران گویند: یعنی خداوند بهر دو گروه- جهادکنندگان و تخلف‌کنندگان- وعده بهشت داده است. بنابراین آیه دلالت دارد بر اینکه: جهاد واجب کفایی است زیرا اگر واجب عینی بود، آنان که بدون عذر، تخلف کرده‌اند، سزاوار پاداشی نبودند (طبرسی، ۱۳۷۲، ۳: ۱۴۸؛ میبدی، ۱۳۷۱، ۲: ۶۴۶).

در ترجمه‌های فارسی ارائه شده همان‌طور که مشخص هست، لفظ (پاداش) اضافه شده است و تنها رضایی اصفهانی این افزوده را در پرانتز اضافه کرده است و باقی مترجمین به صورت متن اصلی وارد ترجمه کرده‌اند که بهتر می‌بود این افزوده تفسیری به صورت مجزا در ترجمه اضافه می‌شد. افزوده‌های (هرگز) و (نسبت به اعمالشان) در ترجمه مکارم مشخص است و به صورت مفاهیمی اضافه بر متن قرآن و به جهت توضیح و تفسیر بیشتر به صورتی که از ترجمه جدا باشد اضافه شده است. موارد افزوده‌های تفسیری در ترجمه رضایی بیشتر به چشم می‌خورد و ضمن اینکه ایشان با توجه به تفاسیر قصد مطرح کردن قضیه جهاد درباره این آیه را در ترجمه داشته‌اند. الهی قمشه‌ای هم در ترجمه برای اشاره به امر جهاد و اینکه وعده متعلق به کدام گروه است از افزوده‌های تقسیری استفاده کرده‌اند اما قسمتی که مربوط به ترجمه وعده بوده است را با روش آزاد ترجمه کرده‌اند. در ترجمه‌های انگلیسی افزوده تفسیری به چشم نمی‌خورد و مترجمان به ترجمه تحت‌اللفظی بسنده کرده‌اند.

**۳-۳. آیه سوم:** «فَوَيْلٌ لِلَّذينَ كَفَرُوا مِنْ يَوْمِهِمُ الَّذي يُوعَدُون» (ذاریات/۶۰).

(پس وای بر کسانی که کافر شدند از روزی که به آنها وعده داده می‌شود!) (مکارم، ۱۳۷۳، ۱: ۵۲۳).

(پس وای بر کسانی که کفر ورزیدند از روز (رستاخیز) شان که (بدان) وعده داده می‌شوند!) (رضایی، ۱۳۸۳، ۱: ۵۲۳).

(پس (آن‌گاه که زمان کیفر فرا رسید) وای بر آنان که کافر شدند از آن روز سختی که (رسولان) به آنها وعده می‌دهند (که در دنیا به قتل و اسارت و در عقبی به قهر و عقوبت محکومند)) (الهی قمشه‌ای، ۱۳۸۰: ۵۲۳).

It will be too bad for those who disbelieve on their day which has been promised them

So woe to the disbelievers! From The Day that they have been promised,[ The Day of Judgement, the Day of Recompense ]

## تحلیل و بررسی

مفهوم این آیه با توجه به آیات قبل خودش برداشت می‌شود و منظور از وعده در اینجا وعده‌ی عذاب روز قیامت است و عذابی که به کافران وعده داده شده است. این آیه تفریع و نتیجه‌گیری از جمله «فَإِنَّ لِلَّذِينَ ظَلَمُوا ذَنُوباً...»، و هم هشداری است به اینکه این ذنوب و نصیب در روز قیامت برای آنان محقق و حتمی است، هر چند که زودرس شدن قسمتی از آن در همین دنیا ممکن باشد، و قیامت روزی است که برای آنان به غیر از ویل و هلاکت چیزی نیست، و آن همان روزی است که وعده‌اش داده شده است. و اگر تعبیر «لِلَّذِينَ ظَلَمُوا» (ذاریات/۵۹)، در این آیه به «لِلَّذِينَ كَفَرُوا» تبدیل شده است، برای این بود که توجه دهد، به اینکه مراد از ظلم در آنجا ظلم کفر است نه ظلم به مردم (طباطبایی،۱۳۷۴، ۱۸: ۵۸۵؛ طبرسی، ۱۳۷۵، ۶: ۱۴۲؛ میبدی، ۱۳۷۱، ۹: ۳۲۵)، درنتیجه منظور وعده عذاب به کافران برداشت می‌شود. با این تفاسیر لازم است در ترجمه‌ها این مصداق‌های وعده‌ها که در قرآن آمده است مشخص شود.

در ترجمه مکارم افزوده تفسیری مشهود نیست و رضایی لفظ رستاخیز را به صورت افزوده تفسیری آورده است. الهی قمشه‌ای این وعده عذاب را به دنیا و آخرت تعمیم داده است. در ترجمه‌های انگلیسی ایروینگ این انتقال معنا را نداشته است اما خانم صفارزاده افزوده تفسیری (The Day of Judgement, the Day of Recompense) را به معنی روز جزا و رستاخیز در ترجمه‌اش لحاظ کرده است.

**۳-۴. آیه چهارم:** «وَ ما لَكُمْ أَلاَّ تُنْفِقُوا في سَبيلِ اللَّهِ وَ لِلَّهِ ميراثُ السَّماواتِ وَ الْأَرْضِ لا يَسْتَوي مِنْكُمْ مَنْ أَنْفَقَ مِنْ قَبْلِ الْفَتْحِ و قاتَلَ أُولئِكَ أَعْظَمُ دَرَجَةً مِنَ الَّذينَ أَنْفَقُوا مِنْ بَعْدُ وَ قاتَلُوا وَ كُلاًّ وَعَدَ اللَّهُ الْحُسْنى وَ اللَّهُ بِما تَعْمَلُونَ خَبيرٌ» (حدید/۱۰).

چرا در راه خدا انفاق نکنید در حالی که میراث آسمانها و زمین همه از آن خداست (و کسی چیزی را با خود نمی‌برد)! کسانی که قبل از پیروزی انفاق کردند و جنگیدند (با کسانی که پس از پیروزی انفاق کردند) یکسان نیستند؛ آنها بلند مقام‌تر از کسانی هستند که بعد از فتح انفاق نمودند و جهاد کردند؛ و خداوند به هر دو وعده نیک داده؛ و خدا به آنچه انجام می‌دهید آگاه است (مکارم، ۱۳۷۳، ۱: ۵۳۸).

و شما را چه شده، که در راه خدا مصرف نمی‌کنید، و حال آنکه میراث آسمان‌ها و زمین فقط از آن خداست؟! کسانی از شما که قبل از پیروزی (در راه خدا) مصرف کردند و پیکار نمودند (با دیگران) مساوی نیستند؛ آنان رتبه‌ای والاتر دارند از کسانی که بعد از (پیروزی در راه خدا) مصرف کردند و پیکار نمودند. و خدا همگان را وعده [پاداش] نیک داده است؛ و خدا به آنچه انجام می‌دهید آگاه است (رضایی، ۱۳۸۳، ۱: ۵۳۸).

و برای چه در راه خدا انفاق نکنید در صورتی که (شما با ملک و مالتان روز مرگ فانی شوید و) وارث تمام (اهل) آسمانها و زمین خداست؟! آن مسلمانانی که پیش از فتح (مکه زمان ضعف اسلام) در راه دین انفاق و جهاد کردند با دیگران مساوی نیستند، آنها اجر و مقامشان بسیار عظیم‌تر از کسانی است که بعد از فتح (و قدرت اسلام) انفاق و جهاد کردند و لیکن خدا به همه وعده نیکوترین پاداش را (که بهشت ابد است) داده و خدا به هر چه کنید آگاه است (الهی قمشه‌ای، ۱۳۸۰: ۵۳۸).

What is wrong with you that you do not spend anything for God's sake? God holds the heritage of Heaven and Earth. Those among you who have spent and fought before the victory are not equal: those stand higher in rank than the ones who spent and fought later on. God has promised each one the very finest. God is Informed about whatever you do. (Irving, p.٥٣٨).

And why is that you do not spend in Allah's Way? Whereas to Allah belongs The heritage of the heavens and The earth. They are not equal those Among you who spent in Allah's Way [For the war equipment] and took part in The war before the Victory of Makkah And those who spent in Allah's Way and Fought after that; the former are higher In degree, though to both of them Allah has promised the best reward and Allah is Well Aware of what you do. (Saffarzadeh, p.١٢٠٧).

## تحلیل و بررسی

در این آیه برای اینکه مصداق وعده الهی مشخص گردد نیاز است تا به کلمات و مفاهیم پیش از واژه وعد توجه شود که درباره انفاق افراد قبل و بعد از جنگ است و با توجه به این موارد آنچه در تفاسیر آمده است اولاً اینکه وعده مربوط به دو گروه مذکور است در نتیجه در ترجمه بهتر است لفظ دو گروه ذکر شود و از طرفی وعده‌ای که از آن صحبت شده است طبق تفاسیر، بهشت است و این موارد در ترجمه‌ها گاهی لحاظ شده است و گاهی چشم پوشی شده است. «وَ كُلًّا وَعَدَ اللَّهُ الْحُسْنىٰ» یعنی خدای تعالی وعده اجری نیکو به هر دو طایفه داده، چه آنهایی که قبل از فتح قتال و انفاق می‌کنند، و چه آنهایی که بعد از فتح انفاق و قتال می‌کنند، هر چند که طایفه اول اجر و درجه‌ای عظیم‌تر از طایفه دوم دارند، این وعده می‌خواهد طایفه دوم را که دیر جنبیدند دلخوش سازد، و بفرماید: آنها نیز مشمول رحمت خدا می‌شوند، و چنان نیست که از آن محروم شوند، پس جای آن نیست که از رحمت خدا نومید باشند، هر چند که

دیر جنبیدند (طباطبایی،۱۳۹۰، ۱۹: ۲۷۰). وعده مطرح شده در این آیه منظور دو گروه است که در آیه به آن اشاره شده است و در تفاسیر هم آمده است که هر یک از دو گروه (یاد شده) را خدا وعده پاداش نیک که بهشت است داده است لیکن با درجات متفاوت (طبرسی، ۱۴۱۲، ۴: ۲۴۵؛ طبرسی، ۱۳۷۲، ۹: ۳۴۷). از این‌رو بر اساس آنچه که در تفاسیر آمده است لازم است در ترجمه‌ها به اینکه وعده به دو گروه است و منظور وعده‌ی بهشت است اشاره گردد در ترجمه‌های فارسی مذکور تنها مکارم به دو گروه اشاره کرده است و در ترجمه‌های انگلیسی نیز بحث اشاره به دو گروه را داشته‌اند، اما اشاره به بهشت تنها در ترجمه الهی قمشه‌ای آمده است.

**۳-۵. آیه پنجم:** «وَ أَقْسَمُوا بِاللَّهِ جَهْدَ أَيْمانِهِمْ لا يَبْعَثُ اللَّهُ مَنْ يَمُوتُ بَلى وَعْداً عَلَيْهِ حَقًّا وَ لكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لا يَعْلَمُون» (نحل/۳۸).

آنها سوگندهای شدید به خدا یاد کردند که: «هرگز خداوند کسی را که می‌میرد، برنمی‌انگیزد!» آری، این وعده قطعی خداست (که همه مردگان را برای جزا بازمی‌گرداند)؛ ولی بیشتر مردم نمی‌دانند! (مکارم، ۱۳۷۱، ۱: ۲۷۱).

و با شدیدترین سوگندهایشان به خدا قسم خوردند که: «خدا کسی را که می‌میرد، بر نمی‌انگیزد!» آری (این رستاخیز) وعده حقی بر عهده اوست؛ و لیکن بیشتر مردم نمی‌دانند (رضایی، ۱: ۲۷۱).

و کافران با مبالغه و تأکید کامل به خدا قسم یاد می‌کنند که هرگز کسی که مرد خدا او را زنده نخواهد کرد (و قیامتی وجود نخواهد داشت) چرا، البته قیامت وعده حتمی خداست و لیکن اکثر مردم از آن آگاه نیستند (الهی قمشه‌ای، ۱۳۸۰: ۲۷۱).

They have sworn by God with their most solemn oaths, God will not raise up anyone who dies. Nonetheless it is a promise truly binding on Him, even though most men do not realize it. (Irving,Vol.۱, p.۲۷۱).

And they did swear their strongest oaths By Allah's Name that Allah will not Raise up one after his death. Nay, [that Is not true] since it is a promise, The fulfillment of which is with Allah, But most of people do not know. (Saffarzadeh, Vol.۱, p.٥٦٠).

## تحلیل و بررسی

آیه مذکور از جمله آیاتی است که به صراحت تحقق وعده الهی را می‌رساند و بیان می‌دارد که خلف وعده در وعده‌های الهی راه ندارد. و چنین تبیین می‌گردد که ابتدا نظر زنده شدن پس از مرگ مورد انکار قرار می‌گیرد و در قرآن به صورت نقل قول آمده است و بلافاصله بعد از آن عبارت «بَلى وَعْداً عَلَيْهِ حَقًّا» را آورده است تا وعده معاد و رستاخیز را حتمی سازد و منظور از این عبارت این است که مسأله‌ی وقایع پس از مرگ آن‌طور که اینان پنداشته‌اند، نیست، بلکه خدا هر که را که بمیرد دوباره زنده می‌کند و این وعده وعده‌ای است ثابت و به عهده خدا، یعنی خدا بر خود واجب کرده که این وعده را نسبت به بندگان خویش عملی سازد، پس به هیچ وجه تخلف و تغییر نمی‌پذیرد (طباطبایی، ۱۳۷۴، ۱۲: ۲۶۰؛ میبدی، ۱۳۷۱، ۵: ۳۸۱). کلمه (بلی) در آیه اثبات تحقق حتمی وعده‌ی خداوند است. «بلی» حرف جواب، و برای اثبات بعد از نفی می‌آید، یعنی بلی خداوند آنها را مبعوث می‌فرماید. «وعدا» مفعول مطلق، چیزی را تأکید می‌کند

که «بلی» بر آن دلالت می‌کند، یعنی زنده کردن مردگان، وعده‌ای است از خداوند، و سپس بیان کرده است که وفای به این وعده حقّی است که به مقتضای حکمت بر خدا واجب است (طبرسی، ۱۳۷۵، ۳: ۳۸۲؛ مکارم، ۱۳۷۱، ۱۱: ۲۷۱).

با توجه به این تفاسیر لازم است در ترجمه‌ها منظور از این وعده که همان وعده‌ی رستاخیز و روز قیامت است بیان شود و به صورت افزوده تفسیری در پرانتز یا پاورقی ذکر شود البته روش‌های مختلف ترجمه‌ای بسیاری برای افزودن نکات تفسیریِ لازم وجود دارد که جای بحث در این مقاله نیست اما همواره باید آنچه به عنوان افزوده بر ترجمه وارد می‌شود به طوری مشخص باشد. آنچه که در ترجمه‌ها مشهود است، مکارم و رضایی این نکته را رعایت کرده‌اند و منظور را رسانده‌اند اما رضایی منظور را در ترجمه افزوده است و جداگانه ذکر نکرده است و اینطور نوشته است که «قیامت وعده حتمی خداست» در صورتی که کلمه قیامت در آیه نیامده است و بهتر بود مانند دو مترجم دیگر عمل می‌کرد و داخل پرانتز به صورت افزوده تفسیری نمایان می‌ساخت. در ترجمه‌های انگلیسی ایروینگ توجهی به بحث تفسیری نداشته است ولی خانم صفار زاده از منظری دیگر به این موضوع پرداخته است که پس از اینکه بیان می‌کند گفته‌اند پس از مرگ برانگیخته نمی‌شوند، به صورت افزوده تفسیری چنین اضافه کرده است «that Is not true» یعنی چنین فکری صحیح نیست، اما به این مسأله که منظور از وعده در این آیه روز قیامت و رستاخیز است هیچ یک از مترجمان توجهی نداشته اند و به معادل «promise» اکتفا کرده‌اند.

**۳-۶. آیه ششم:** «وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ ءَامَنُواْ مِنكُمْ وَ عَمِلُواْ الصَّلِحَتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِن قَبْلِهِم...» (نور/۵۵).

خداوند به کسانی از شما که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده‌اند وعده می‌دهد که قطعاً آنان را حکمران روی زمین خواهد کرد، همانگونه که به پیشینیان آنها خلافت روی زمین را بخشید (مکارم، ۱۳۷۳، ۱: ۳۵۷).

خدا به کسانی از شما که ایمان آورده و [کارهای] شایسته انجام داده‌اند، وعده داده است که قطعاً آنان را در زمین جانشین خواهد کرد، همانگونه که کسانی را که پیش از آنان بودند، جانشین کرد (رضایی، ۱۳۸۳، ۱: ۳۵۷).

خدا به کسانی از شما بندگان که (به خدا و حجّت عصر ع) ایمان آرند و نیکوکار گردند وعده فرمود که (در ظهور امام زمان) در زمین خلافتشان دهد چنان که اهم صالح پیامبران سلف را جانشین پیشینیان آنها نمود (الهی قمشه‌ای، ۱۳۸۰: ۳۵۷).

God has promised to appoint those of you who believe and perform honorable deeds as [His] representatives on earth, just as He made those before them into (such) overlords. (Irving,vol.۱,p.۳۵۷).

Allah has promised to those of you Mankind who believe and do good that He will appoint them the rulers in The world as he appointed those before Them.(Saffarzadeh, vol.۱,p.۷۶۳).

## تحلیل و بررسی

آیه ۵۵ سوره مبارکه نور درباره خلافت مستضعفین برروی زمین و وعده خداوند درباره این افراد سخن می گوید. بر اساس نظر تفاسیر، این آیه وعده جمیل و زیبایی است برای مؤمنینی که همراه ایمانشان عمل صالح هم دارند، در نتیجه خداوند به آنان وعده می‌دهد که به زودی جامعه صالحی مخصوص به خودشان برایشان درست می‌کند و زمین را در اختیارشان می‌گذارد و دینشان را در زمین متمکن می‌سازد، و امنیت را جایگزین ترسی که داشتند می‌کند، امنیتی که دیگر از منافقین و کید آنان، و از کفار و جلوگیری‌هایشان بیمی نداشته باشند، بتوانند خدای را آزادانه عبادت کنند، و چیزی را شریک او قرار ندهند (طباطبایی،۱۳۷۴، ۱۵: ۲۰۹؛ طبرسی، ۱۳۷۵، ۴: ۳۲۹؛ طنطاوی، ۱۹۹۷م، ۱۰: ۱۴۷). جمله ی «وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ ءَامَنُواْ مِنكُمْ وَ عَمِلُواْ الصَّلِحَتِ» در همین جمله که اشاره شد، کلمه "من" تبعیضی است و نه بیانی، و خطاب در آن، به عموم مسلمین است که در میان آنان، هم منافق هست و هم مؤمن، و مؤمنین نیز دو گروه هستند، یکی کسانی که عمل صالح می‌کنند، و گروه دیگر آنان که عمل صالح ندارند، ولی وعده‌ای که در این آیه آمده مخصوص کسانی است که هم ایمان داشته باشند و هم اعمالشان صالح باشد (طباطبایی، ۱۳۷۴، ۱۵: ۲۰۹).

حال بحث چنین پیش می‌آید که این وعده خلافت به چه صورت است. در آیه اشاره شده است همانطور که به پیشینیان وعده داده‌ایم که در این صورت دو حالت پیش می‌آید: یکی اینکه منظور از استخلاف این باشد که خدای تعالی به این مؤمنان خلافتی الهی نظیر خلافت آدم و داوود و سلیمان داده باشد، همچنان که درباره خلافت آدم فرمود: «إِنِّي جاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً» (بقره/۳۰)، درباره حضرت داوود فرموده است: "إِنَّا جَعَلْناكَ خَلِيفَةً فِي الْأَرْضِ"(ص/۲۶) و درباره حضرت سلیمان می فرماید: «وَ وَرِثَ سُلَيْمانُ داوُدَ»(نمل/۱۶) که اگر مراد از خلافت این باشد، قهراً خلفای قبل از ایشان خلفای خدا، یعنی انبیای او و اولیایش خواهد بود، اما این احتمال با مشخص کردن حالت دوم بعید به نظر می رسد. حالت دوم چنین است که منظور از «خلافت» ارث دادن زمین به ایشان و مسلط کردن آنان بر زمین باشد، همچنان که در این معنا می فرماید: «إِنَّ الْأَرْضَ لِلَّهِ يُورِثُها مَنْ يَشاءُ مِنْ عِبادِهِ، وَ الْعاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ» (اعراف/۱۲۸) و هم چنین می‌فرماید: «أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُها عِبادِيَ الصَّالِحُونَ» (انبیا/۱۰۵) که بر اساس این آیات، منظور از خلفای قبل از ایشان مؤمنین از امتهای گذشته خواهد بود، که خدا کفار و منافقین آنها را هلاک کرد، و مؤمنین خالص ایشان را نجات داد، مانند قوم نوح و هود و صالح و شعیب، همچنان که در آیه «وَ قالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لِرُسُلِهِمْ لَنُخْرِجَنَّكُمْ مِنْ أَرْضِنا أَوْ لَتَعُودُنَّ فِي مِلَّتِنا فَأَوْحى إِلَيْهِمْ رَبُّهُمْ لَنُهْلِكَنَّ الظَّالِمِينَ، وَ لَنُسْكِنَنَّكُمُ الْأَرْضَ مِنْ بَعْدِهِمْ ذلِكَ لِمَنْ خافَ مَقامِي وَ خافَ وَعِيدِ» (ابراهیم/۱۴). است و اینان کسانی هستند که خود را برای خدا خالص کردند و خدا نجاتشان داد، و در نتیجه جامعه صالحی تشکیل داده و در آن زندگی کردند... (طباطبایی، ۱۳۷۴، ۱۵: ۲۱۰؛ مکارم،۱۳۷۱، ۱۴: ۵۲۹). اما از نظر طبرسی از قول امام سجاد (ع) منظور از کسانی که به آنان وعده داده شده است چنین است: به خدا قسم منظور از مؤمنین در این آیه شیعیان ما خاندان پیامبراند و این امور را خداوند برای آنان به دست مردی از ما انجام می‌دهد و او مهدی این امّت است و او همان کسی است که رسول اکرم در باره‌اش فرمود: اگر از دنیا بجز یک روز باقی نماند خداوند آن را آن قدر طولانی سازد تا مردی از عترت من بیاید که همنام و هم‌کنیه من باشد، زمین را از برابری و دادگری پر می‌کند چنانکه (از نابرابری و ستمگری پر شده باشد). این روایت از امام باقر و امام صادق (ع) نیز نقل شده است (طبرسی، ۱۳۷۵، ۴: ۳۳۰).

با بررسی ترجمه‌های ارائه شده، آنچه که در ترجمه‌ها منتقل شده است همان حالت دوم منظور از استخلاف مؤمنان بر روی زمین است و تنها الهی قمشه‌ای طبق نظر طبرسی در ترجمه‌اش به صورت افزوده تفسیری در پرانتز به ظهور حضرت مهدی (عج) اشاره کرده است. همچنین کلمه (کارهای) که در ترجمه رضایی و مکارم آمده است به نظر نمی‌رسد مطلبی فراتر از آیه باشد و در نتیجه لازم نبود داخل براکت و به صورت افزوده در متن ترجمه بیاید. در ترجمه‌های انگلیسی افزوده تفسیری (His) و (such) در ترجمه ایروینگ به چشم می‌خورد که برای سهولت در انتقال معنا آمده است و به نظر نمی‌رسد که بر اساس تفاسیر چنین افزوده‌هایی را استفاده کرده باشد و ترجمه خانم صفار زاده نیز بدون هیچگونه افزوده تفسیری صورت گرفته است.

## نتیجه‌گیری

افزوده‌های تفسیری در ترجمه‌های قرآن تأثیر بسیاری بر درک و فهم قرآن‌کریم دارد. برخی آیات الهی در قرآن‌کریم با توجه به اهمیتی که دارند بیشتر متوجه تفاسیر قرار گرفته‌اند و در این میان آیات وعده و وعید الهی از این دسته است. از میان آیات قرآن که در آن بحث وعده و وعید خداوند متعال در موضوعات متفاوت مطرح شده است آیاتی که بیشترین نکات تفسیری را داشتند استخراج شدند و مورد تحلیل قرار گرفتند. از میان مترجمان قرآن‌کریم افزوده‌های تفسیری سه مترجم منتخب زبان فارسی یعنی، مکارم شیرازی، رضایی اصفهانی و الهی قمشه ای و دو مترجم انگلیسی یعنی، ایروینگ و صفارزاده در مقاله حاضر مورد تحلیل و بررسی قرار گرفتند. از میان مترجمان مذکور بیشترین افزوده تفسیری اولاً در ترجمه‌های فارسی نسبت به انگلیسی صورت گرفته است و در میان مترجمان فارسی الهی قمشه‌ای بیشتر افزوده‌های تفسیری را انتقال داده است. رضایی اصفهانی اغلب افزوده‌های تفسیری را در قالب ترجمه آورده است و با نشانه یا علامتی آن مفاهیم را از متن ترجمه معمولاً جدا نکرده است. ایروینگ به عنوان یک ترجمه کاملاً انگلیسی در ترجمه‌هایش نکات تفسیری را اِعمال نکرده است. در نهایت آنچه لازم به ذکر است، در ترجمه آیات قرآن توجه به تفاسیر و استفاده از افزوده‌های تفسیری سهم بسزایی در انتقال معنی و درک دقیق مفاهیم قرآنی دارد مخصوصاً برای افرادی که اولاً با زبان عربی آشنایی ندارند و یا افرادی که کلاً مسلمان نبوده و فقط مخاطب قرآن هستند، از طرفی به طور خاص اگر وعده‌ها و وعیدهای الهی با افزوده‌های تفسیری و دقیق به دیگر زبان‌ها ترجمه شوند سهم مهمی در ترویج دین اسلام و مسلمان شدن مخاطبان آن خواهد داشت.

## پی‌نوشت‌ها

۱. به نام یزدان بخشاینده

۲. Richard Bell

۳. A.J.Arberry

٤. Muhammed Marmaduke Pickthal

٥. Thomas Ballantyne Irving

## منابع

### قرآن‌کریم


۱) اسفراینی، عماد الدین. (۱۳۷۵). **تاج التراجم فی التفسیر القرآن للاعاجم**. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.

۲) الهی قمشه‌ای، مهدی. (۱۳۸۰). **ترجمه قرآن**. چاپ دوم. قم: فاطمه الزهراء.

۳) جواهری، سید محمد حسن. (۱۳۹۳). **روش‌شناسی ترجمه قرآن‌کریم**. چاپ دوم. قم: سبحان.

۴) خرمشاهی، بهاء الدین. (۱۳۸۹). **قرآن پژوهی (۱)**. چاپ چهارم. تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.

۵) خرمشاهی، بهاءالدین. (۱۳۸۷). **قرآن شناخت (مباحثی در فرهنگ و فرهنگ آفرینی قرآن)**. چاپ ششم. تهران: ناهید.

۶) رضایی اصفهانی، محمدعلی. (۱۳۸۳). **ترجمه قرآن**. قم: موسسه تحقیقاتی و فرهنگی دارالذکر.

۷) زرقانی، محمد عبدالعظیم. (۱۴۱۶). **مناهل العرفان فی علوم القرآن**. به کوشش امین سلیم. بیروت: احیاء التراث العربی.

۸) سرخسی، شمس الدین ابوبکر محمد بن احمد. (۱۴۰۶). **المبسوط**. بیروت: دارالمعرفه.

۹) طباطبایی، سید سحمدحسین. (۱۳۹۰). **المیزان فی تفسیر القرآن**. بیروت: مؤسسة الأعلمی للمطبوعات.

۱۰) طبرسی، فضل بن حسن. (۱۳۷۲). **مجمع البیان فی تفسیر القرآن**. تهران: ناصرخسرو.

۱۱) طبرسی، فضل بن حسن. (۱۴۱۲). **تفسیر جوامع الجامع**. قم: مرکز مدیریت.

۱۲) طنطاوی، محمد سید. (۱۹۹۷م). **التفسیر الوسیط للقرآن الکریم**. چاپ اول. مصر: نهضه مصر.

۱۳) کریمی‌نیا، مرتضی. (۱۳۸۹). **ساخت‌های زبان فارسی و مسأله‌ی ترجمه قرآن**. چاپ اول. تهران: هرمس.

۱۴) مکارم شیرازی، ناصر. (۱۳۷۳). **ترجمه قرآن**. چاپ دوم. قم: دفتر مطالعات و تحقیق معارف اسلامی.

۱۵) مکارم شیرازی، ناصر. (۱۳۷۱). **تفسیر نمونه**. چاپ دهم. تهران: دارالکتب الاسلامیه.

۱۶) معرفت، محمد هادی. (۱۳۹۵). **تفسیر و مفسران**. مترجم: دکتر علی خیاط. چاپ نهم. قم: تمهید.

۱۷) میبدی، احمد بن محمد. (۱۳۷۱). **کشف الاسرار و عدهٔ الابرار( معروف به تفسیر خواجه عبدالله انصاری)**. چاپ پنجم. تهران: امیرکبیر.

## مقالات

۱۸) آسه، جواد. (۱۳۹۰). «درنگی در ترجمه فعل‌های« کاد/ یکاد»،« لا یکاد» و« لم یکد» در ترجمه‌های قرآن»، *پایگاه مجلات تخصصی نور، نشریه: معرفت*. شماره ۱۶۴.

۱۹) استادولی، حسین. (۱۳۷۴). « گزارشی از ویرایش جدید و کامل ترجمه قرآن شادروان مهدی الهی قمشه‌ای». *پایگاه مجلات تخصصی نور، نشریه: بینات*. شماره ۸.

۲۰) پایگاه مجلات تخصصی نور. (۱۳۷۳). «فصلنامه پیام قرآن». *قرآن مجید ترجمه آیت‌الله مکارم شیرازی*. شماره ۳.

۲۱) طباطبایی، سید عبدالمجید. (۱۳۸۲). «ارزیابی ترجمه های اروپایی از قرآن مجید». *مجله پگاه حوزه*. شماره ۱۰۶.

۲۲) کریمی‌نیا، مرتضی. (۱۳۷۵). «نقد و بررسی ترجمه قرآن کریم از آیت‌الله مکارم شیرازی( ۱)». *پایگاه مجلات تخصصی نور، نشریه: بینات*. شماره ۹. ص ۱۴۰ تا ۱۵۳.

۲۳) محمدبیگی، شاهرخ، رضایی، سمیه (۱۳۹۱). «بررسی و مقایسه ترجمه فارسی و انگلیسی قرآن کریم از طاهره صفارزاده». *پژوهشنامه قرآن و حدیث*. شماره ۱۰.

## نرم‌افزارها

نرم افزار جامع التفاسیر نور

التنظيرات و النقد في الأدب العربي

السنة الثالثة، العدد ١٠، صيف ١٤٠٢

صص: ١١٠-٩٣

**DOI:** ١٠.٢٢٠٣٤/JRAL.٢٠٢٥.٥٥٨٩٦٥.١٠٧٤

# دراسة تحليلية للإضافات التفسيرية في ترجمة آيات الوعد والوعيد في القرآن الكريم

على آهنگ [١]

سيده فرناز اتحاد [٢]

(تاريخ الوصول: ١٤٠٤,٠٨,١٩، تاريخ القبول: ١٤٠٤,٠٩,١٩)

**الملخص**

تُعدّ آيات الوعد والوعيد في القرآن الكريم من المرتكزات الأساسية للخطاب الإلهي، لما تحمله من دلالات تربوية وأخلاقية عميقة في توجيه الإنسان وبنائه القيمي. غير أنّ ترجمة هذه الآيات إلى لغات أخرى، ولا سيما اللغة الفارسية، تثير إشكالات علمية دقيقة، إذ يلجأ بعض مترجمي القرآن الكريم، بدافع توضيح المراد القرآني، إلى إدراج زيادات تفسيرية ضمن نص الترجمة. وعلى الرغم من أن هذه الزيادات تستند في الغالب إلى مبانٍ تفسيرية معتبرة، إلا أنها قد تؤثر في تلقّي القارئ للدلالة الظاهرة للنص القرآني، وقد تُفضي أحيانًا إلى انتقال الترجمة من دائرة النقل اللفظي إلى مجال التفسير. ومن هذا المنطلق، تهدف هذه الدراسة إلى رصد الإضافات التفسيرية في الترجمات الفارسية المعاصرة لآيات الوعد والوعيد، وتحليلها وتقويمها. وتكمن أهمية البحث في غياب دراسة منهجية تتناول أنواع هذه الإضافات وحدودها ووظائفها التفسيرية وآثارها في فهم النص القرآني. وقد اعتمدت الدراسة المنهج الوصفي- التحليلي، من خلال تحليل عدد من الترجمات الفارسية المعاصرة البارزة، حيث تم تصنيف أنماط الإضافات التفسيرية، وبيان الدوافع التفسيرية لظهورها، وتقويم مدى انسجامها مع ظاهر النص القرآني. وتسهم نتائج هذا البحث في ضبط معايير ترجمة القرآن الكريم وتحديد الحد الفاصل بين الترجمة والتفسير.

**الكلمات المفتاحيّة:** ترجمة القرآن الكريم، آيات الوعد والوعيد، الزيادات التفسيرية، التفسير القرآني، مترجمو القرآن الكريم.

---

١. أستاذ مساعد، قسم تفسير القرآن وعلومه، كلية علوم القرآن، جامعة القرآن الكريم للعلوم والتربية، بجنورد، إيران، البريد الإلكتروني: aliahang٩٦٨@gmail.com (المؤلف المسؤول)

٢. طالبة دكتوراه، قسم علوم القرآن والحديث، كلية علوم القرآن، جامعة القرآن الكريم للعلوم والتربية، بجنورد، إيران، البريد الإلكتروني: farnazettehad٩٦٨@gmail.com